

بررسی «اقتصادسرامد» از سیاست روسیه در حوزه دریای سیاه

چالش جلوگیری از گسترش نفوذ غرب در دریای سیاه

گروه دریایا په – سیدعمران طباطبایی – با نگاهی اجمالی به پرونده اوکراین می توان گفت که روسیه در نزدیک خود، سیاست بحران سازی را پیش گرفته است که دلیل اول آن تقابل با غربگرایی بوده است. در وهله دوم، روسیه قصد دارد به مناطق و کشورهاییک جزئی از اتحاد جماهیر شوروی به حساب می آمدند (مانند قفقاز شمالی) بفهماند که عاقبت در خواست آن ها برای برقراری روابط با غرب، نه تنها برای آن ها خوب نخواهد خورد، بلکه می تواند هزینه های زیادی برای شان به وجود بیاورد. شاید اگر روسیه به اوکراین حمله نمی کرد، این راهبرد به نوعی خاستگری تحلیل می شد اما حالا اوضاع فرق می کند و روسیه با مشکلات زیادی از حیث سیاسی، امنیتی و اقتصادی روبه و است.

به گزارش اقتصادسرامد، در ماههای اخیر مناقشه اوکراین به موضوع اصلی در سیاست جهانی تبدیل و حتی توجه مردم عادی را نیز به خود جلب کرده است. به باور کارشناسان، یکی از مهمترین دلایل حمله اخیر روسیه به اوکراین تقویت حضور در دریای سیاه است که نقش مهمی در تجارت جهانی آینده خواهد داشت.

نبرد با عثمانی

دریای سیاه یکی از مراکز مهم سیاست جهانی و از مسیرهای اجتناب ناپذیر تجارت جهانی قدیم، همواره هدف دولت های بزرگ به عنوان نقطه اتصال راه های تجاری شمال از آسیا به اروپا بوده است. بنادر مهم دریای سیاه، برای مدت طولانی تحت تسلط جنوبوالبته در این دوره، بندر بسفر و استانبول که بنادر را با سایر نقاط جهان مرتبط می کرد، عمداً تا در دست جنوبا بود. ساختار سیاسی دوره بیزانس با ورود ترک ها به منطقه شروع به تغییر کرد. به طوری که دریای سیاه همچنان در دوره سلجوقیان و سپس امپراتوری عثمانی یک مسیر تجاری پایدار بود. دوره سلطان محمد فاتح، نقطه عطفی از نظر تسلط ترکان بر دریای سیاه است. روندی که با فتح سواحل آناتولی دریای سیاه از جمله ترابزون آغاز شد، با کریمه در ساحل مقابل ادامه یافت و در نهایت دریای سیاه تحت تسلط ترکان قرار گرفت تا بدین ترتیب امنیت استانبول تا مین و تمامی تجارت منطقه تحت کنترل عثمانیان قرار بگیرد. از قرن پانزدهم، قدرت های دریایی غربی در اتحاد ضد



در دوره پس از جنگ سرد در این حوزه ایجاد شده است متمرکز شده است. پس از فروپاشی و تجزیه شوروی، پوشش های امنیتی جدیدی در منطقه دریای سیاه پدیدار شده است، این حوزه تا پیش از فروپاشی شوروی، شامل دولت های شوروی، بلغارستان، رومانی و ترکیه می شد، که در پی تجزیه شوروی، اوکراین و گرجستان نیز به دولت هایی مستقل در منطقه دریای سیاه تبدیل شده اند. به گسترش پوشش های امنیتی و روندهای اقتصادی رادر حوزه دریای سیاه تقویت کرده است، بر این اساس روسیه کنترل عصر جنگ سرد بر معادلات امنیتی حوزه دریای

سیاه را از دست داده است و به شیوه ای جدید در صدد بسط نفوذ خود در این حوزه در مقابله با گسترش نفوذ ایالات متحده برآمده است که در شکل نظم هژمونیک غربی تحت رهبری خود به ویژه ناتو و نهادهای اروپایی دنبال می شود.

در عصر مدرن، قدرت های غربی همواره با مسأله چگونگی روابسط با روسیه مواجه بوده اند، به ویژه مرزهای غربی روسیه و پیرامون امنیتی همجوار آن همواره عرصه ای برای رقابت و کشمکش روسیه و قدرت های ذی نفع اروپای غربی بوده است، گرچه از یک چشم انداز کلان تر روسیه نیز به عنوان کشوری غربی نگریسته می شود، اما با توجه به چالش های امنیتی که مسکو پس از پایان جنگ جهانی دوم با قدرت های بزرگ اروپایی و ایالات متحده داشته است به نظر می رسد که منافع امنیتی روسیه در عرصه بین المللی متمایز از منافع دیگر قدرت های اروپایی است و بر این اساس روسیه خارج از حوزه هژمونی غرب قرار می گیرد، هژمونی که پس از جنگ جهانی دوم تحت رهبری ایالات متحده و با همکاری قدرت های توسعه یافته سرمایه داری در

نیمه غربی جهان شکل گرفته و شرکای سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز در خارج از غرب در خاورمیانه، افریقا و آسیای جنوبی و جنوب شرقی و پاسیفیک نیز دارد، اما با توجه به نقش تعیین کننده ایالات متحده به عنوان قدرتمندترین و ثروتمندترین دولت در سازمان دهی این نظم هژمونیک، از این نظم به عنوان نظم هژمونیک تحت رهبری ایالات متحده یاد می شود که ایالات متحده نقش کلیدی در حفاظت از آن و گسترش آن داشته است. موضع مسکو با توجه به نقش و قدرتش در دوره جنگ سرد و نیز پس از آن نسبت به این نظم هژمونیک و چگونگی تعامل با آن مسأله حائز اهمیت بوده است. پس از جنگ جهانی دوم، شوروی بر بخش وسیعی از پیرامون امنیتی خود شامل قفقاز، حوزه شمالی دریای سیاه و اروپای شرقی تسلط یافته و به مثابه یک قدرت بزرگ به چالشی برای هژمونی ایالات متحده در عرصه بین المللی تبدیل شده بود، پس از فروپاشی شوروی و پایان عصر جنگ سرد، با حمایت ایالات متحده نفوذ غرب در پرتو اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در شرق اروپا گسترش یافته و به محیط پیرامونی روسیه در آسیای میانه، قفقاز و حوزه دریای سیاه رسیده است موضعی که با مزاج روس ها سازگار نیست.

سیاست روسیه در حوزه دریای سیاه در مواجهه با گسترش نفوذ غرب تمرکز شده است و در این راستا سیاست روسیه نسبت به گسترش هژمونی غرب در حوزه دریای سیاه چیدمان صورت گرفته است و این چیدمان و سیاست روسیه نسبت به گسترش هژمونی غرب در حوزه دریای سیاه از همکاری با غرب در سال های اولیه دهه ۱۹۹۰، به سیاست های مقابله جویانه دگرگون شده است به گونه ای که روسیه به چالشی جدی برای گسترش نفوذ غرب در حوزه دریای سیاه تبدیل شده است.



سیاست روسیه در حوزه دریای سیاه در مواجهه با گسترش نفوذ غرب تمرکز شده است و در این راستا سیاست روسیه نسبت به گسترش هژمونی غرب در حوزه دریای سیاه چیدمان صورت گرفته است

دریاچه



مدیرکل شیلات هرمزگان خبرداد

آغاز روند نصب هزار و ۳۰۰ سازه زیستگاه مصنوعی آبیان در هرمزگان

مدیرکل شیلات هرمزگان با اشاره به اینکه ایجاد زیستگاه های مصنوعی در آب های استان اقدام دولت سیزدهم برای حفظ و بازسازی ذخایر آبیان و خدمت به جامعه صیادی است، گفت: در مرحله دوم اجرای این طرح، برنامه ریزی برای استقرار یک هزار و ۳۰۰ سازه مصنوعی آبیان در آب های جاسک، سیریک و قشم آغاز شد.به گزارش اقتصادسرامد، مسعود بارانی به ایرنا افزود: در این مرحله یک هزار سازه زیستگاه مصنوعی آبیان در آب های مناطق غربی و شرقی جاسک و شهرستان سیریک و ۳۰۰ سازه نیز در شهرستان قشم استقرار خواهد یافت. وی با توجه به اینکه استقرار این سازه ها با حمایت استانداری، سازمان شیلات ایران و پیگیری شیلات استان در راستای اجرای مصوبات سفر دور دوم رئیس جمهور به استان است، بیان کرد: جانمایی نصب این سازه ها در آب های قشم، سیریک و جاسک براساس مطالعات و تحقیقات کارشناسی و با همکاری پژوهشگاه اکولوژی خلیج فارس و دریای عمان درحال انجام است.مدیرکل شیلات هرمزگان ابراز کرد: توسعه و مدیریت مناسب زیستگاه های مصنوعی که در دولت مردمی به خوبی به آن توجه شده، می تواند به عنوان یک سرمایه گذاری پایدار و دراز مدت به حساب آید که با وضعیت فعلی زیستگاه های طبیعی آبیان، بسیار ضروری و حیاتی است که با سفر رئیس جمهور به استان و حمایت های استاندار و پیگیری شیلات ایران و حمایت های علمی و تحقیقاتی پژوهشگاه اکولوژی خلیج فارس و دریای عمان گام های خوبی در این خصوص برداشته شده و امید را دوباره در دل صیادان و بهره برداران زنده کرده است.وی با بیان نقش بسیار مهم زیستگاه مصنوعی در پایداری و تثبیت اشتغال جامعه صیادی بیان کرد: برنامه های خوبی در زمینه بازسازی ذخایر آبیان تهیه و تدوین شده است و در آینده نزدیک در سطح استان از سوی دولت مردمی در دست اجرا است.بارانی، جریان بخشی از فشار بر ذخایر آبیان را اثر برداشت بی رویه، ترمیم و کمک به احیای ذخیره گاه ها و حفظ ذخایر آبیان، ایجاد توازن در اکوسیستم، حفظ جمعیت روستایی و ساحل نشینان، صید و صیادی پایدار، تثبیت اشتغال و کمک به امنیت غذایی و پدافند غیرعامل را از مهم ترین اهداف اجرای طرح بازسازی ذخایر آبیان عنوان کرد.وی اذعان کرد: بهبود تنوع زیستی، امکان صید مستمر از دریا، زمینه سازی اشتغالزایی بیشتر و پایدار، رونق صنایع جانبی، امکان تجدید نسل و بهره برداری مداوم و پایدار آبیان، افزایش میزان صید و درآمد سالانه و در نتیجه بهبود وضعیت معیشتی صیادان، حفظ و ارتقای جایگاه آبیان، بهبود زمینه ها صادرات و ارزآوری و بازسازی ذخایر آبیان از دیگر اهداف احداث و استقرار سازه های زیستگاه مصنوعی است. تا پایان سال گذشته حدود ۶ هزار و ۱۰۰ سازه زیستگاه مصنوعی در آب های خلیج فارس نصب شد و تا پایان امسال نیز هدف گذاری برای نصب ۲ هزار سازه جدید در دستور کار است.استاندار هرمزگان در مهرماه امسال در نشستی که با نخبگان و جمعی از اقدار مختلف شهرستان میناب داشت، اعلام کرد: ۱۰ هزار میلیارد ریال برای ایجاد زیستگاه های مصنوعی آبیان در استان اختصاص یافت. استان هرمزگان با برداشت سالیانه افزون بر ۳۱۵ هزار تُن انواع آبیان و بیش از ۳۵ هزار نفر صیاد، رتبه نخست صید و صیادی در کشور را دارد.

دوشنبه-۸ آبان۱۴۰۲- سال هفتم- شماره ۱۷۶۹

اقتصاد دریا

تنگه هرمز و اهمیت آن بخش اول ویژگی های مشترک و تفاوت کشورهای حوزه خلیج فارس

دکتر همایون الهی- موقعیت جغرافیایی کشورهای حوزه خلیج فارس، این کشورها را از دو نیروی متضاد جذب به مرکز و گریز از مرکز متأثر ساخته است. نیروی اول از تمایل به همگرایی و همکاری ناشی می شود در حالی که محرک نیروی دوم تحت تأثیر تمایلات واگرایی به وجود می آید. در بررسی اولیه از عوامل مؤثر بر این دو نیرو چند نکته اساسی قابل تشخیص هستند:

تفوق یک نیرو بر دیگری تحت شرایط خاص داخلی یا خارجی قرار دارد و بنابراین کشش به همکاری با جدایی بسا تغییر شرایط، تغییر می نماید. این امر منتهی به آن شده که همکاری ها، اتحادیه های منطقه ای و روابط بسیار شکننده باشد.

تأثیر یک عامل بر اتحاد یا تفاسق منطقه ای ثابت نیست بلکه در طول زمان و مکان تغییر می نماید و تابعی از عوامل دیگر است.

عوامل سیاسی داخلی و خارجی (و به خصوص خارجی) بر نوع تأثیر گذاری عوامل دیگر نقش بنیادی دارند. در عبارتی دیگر عوامل سیاسی نقش اصلی را در جهت دادن به روابط کشورهای منطقه بازی می کنند.

عوامل سیاسی خود تحت تأثیر شدید عوامل جغرافیایی (انسانی و طبیعی) قرار دارند، در واقع ژئوپلیتیک منطقه جهت دهنده وقایع است. اما مهمترین عواملی که خصوصیات مشترک این کشورها را تشکیل می دهند عبارتند از:

منبع اصلی ثروت آن ها نفت است.

دارای اقتصاد وابسته به سرمایه داری غرب هستند.

سیستم های دفاعی آن ها همگی متوجه خلیج فارس می باشد.

در اکثر بخش ها تجارت خارجی آن ها از طریق خلیج فارس انجام می گیرد.

اسلام دین رسمی مردم آن ها می باشد.

سیستم سیاسی آن ها تحت تأثیر غرب قرار داد (جمهوری اسلامی ایران کوشش های عمیقی را در راه رفع این تأثیر به عمل آورده است).

اما با وجود این مشترکات برخی تفاوت های اساسی نیز بین آن ها وجود دارد که عوامل گریز از مرکز را تشکیل می دهند به عنوان مثال سه کشور ایران، عراق و عربستان مجموعاً حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت داشته، جمعیتی نزدیک به ۱۱۷ میلیون نفر دارند، در حالی که کل وسعت بقیه کشورهای خلیج فارس فقط برابر ۳۳۰،۰۰۰ کیلو متر مربع با جمعیتی برابر ۶/۹ میلیون نفر است.

هر چند زبان این کشورها به طور کلی عربی و فارسی است ولی در هر کشور زبان های دیگری نیز رایج است و حتی زبان عربی که زبان رسمی هفت کشور منطقه خلیج فارس است دارای گویش های متفاوت می باشد.

از نظر سیستم حکومتی تفاوت ها بسیار چشمگیر هستند. در حالی که عراق دارای سیستم حکومتی جمهوری بود (قبل از تهاجم نیروهای آمریکا در مارس ۲۰۰۳) عملاً صدام حسین زمام امور را به صورت مادام العمر در اختیار داشت. در مقابل ایران دارای حکومت جمهوری اسلامی است. در عربستان و عمان هر کدام یک پادشاه حاکمیت دارد. در کشورهای کویت، بحرین و قطر شیوخ حاکم هستند؛ هر چند به ظاهر کویت دارای نظام مشروطه سلطنتی انتخابی، بحرین مشروطه سلطنتی موروثی و قطر سلطنتی سستی است. امارات متحده عربی دارای یک سیستم فدرال متشکل از هفت امیر نشین است (دوبی، ابوظبی، شارجه، رأس الخیمه، فجیره، عجمان، المقوین) که هر یک از آن ها بخشی از اختیارات را به دولت فدرال منتقل نموده اند.

از نظر تاریخی نیز تفاوت های فاحشی وجود دارد، در حالی که ایران و عراق دارای سوابق تمدنی طولانی هستند، سایر کشورها بخشی از سرزمین اصلی ایران را تشکیل می داده اند؛ که در طول زمان مورد تجاوز نیروهای فرامنطقه ای قرار گرفته و از ایران جدا شده اند، به همین علت تقریباً به جز ایران بقیه هفت کشور یک دوره مستعمره بودن را تجربه نموده اند. البته این تجربه در میان آن ها متفاوت است به طوری که عمان در سال ۱۰۲۹ (۱۶۵۰) با اخراج پرتغالی ها به استقلال رسید. عربستان و عراق در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) و کویت در سال ۱۳۵۰ (۱۹۶۱) مستقل شدند. کشورهای بحرین، قطر، امارات متحده عربی در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) و به هنگام خروج نیروهای انگلیسی از منطقه شرق سوئز پا به عرصه وجود گذاشتند. طبیعی است که این سبابقه متفاوت تاریخی در رفتار سیاسی جاری این کشورها تأثیر عظیم دارد. به عنوان نمونه برداشت آن ها از چگونگی حفظ امنیت متفاوت است.

از نظر ترکیب جمعیتی نیز تفاوت های فاحشی بین این کشورها وجود دارد، برخی صادر مهاجر هستند مثل ایران و تعدادی از کشورها مهاجر پذیر.